

نقش آفرینی در محدوده چند میکروفن

نمایش‌های برنامه رادیویی «قصه شب» در استودیوی 8 ضبط می‌شود...



نمایش‌های برنامه رادیویی «قصه شب» در استودیوی 8 ضبط می‌شود
نقش آفرینی در محدوده چند میکروفن

جام جم آنلاین: شنوندگان رادیو نام استودیوی شماره 8 را زیاد شنیده‌اند و می‌دانند که بسیاری از نمایش‌های رادیویی در این مکان صدابرداری شده است. در واقع بخشی از خاطرات دست‌اندرکاران رادیو در این فضا رقم خورده و قرار است برای تهیه گزارش پشت صحنه یکی از نمایش‌های «قصه شب» به این محل بروم.

هنرمندان نمایش رادیویی می‌گویند که این محصول تفاوت زیادی با یک نمایش صحنه‌ای یا تصویری ندارد. یعنی در تولید آن باید همان اصول و قواعد درام‌پردازی در نمایش تصویری را رعایت کرد، اما روش تولید نمایش رادیویی با محصول مشابهش در سینما یا تلویزیون بسیار متفاوت است. بازیگر نمایش رادیویی فقط می‌تواند از صدایش استفاده کند، بنابراین باید تمام حس و درکش از نقش را در صوت و صدایش بریزد و از این راه شنونده را جذب جعبه رادیو کند.

استودیوی شماره 8 در مرکز محوطه رادیو ارگ و درست روبه‌روی ساختمان رادیو نمایش واقع شده است.

در استودیو را که باز می‌کنم اول از همه چشمم به صدا بردار می‌افتد که پشت میز صدا نشسته است. او از پشت دیواری شیشه‌ای فضای داخل استودیو را رصد می‌کند.

بعد از عبور از راهرویی باریک به در قرمز رنگ می‌رسم. بالای در چراغ‌های قرمز و سبزی نصب شده که تعیین می‌کند می‌شود وارد استودیو شد یا خیر. روشن بودن چراغ قرمز به معنای این است که دارد صدای بازیگران ضبط می‌شود و ورود و خروج افراد روند صدابرداری را مختل می‌کند. این نکته را یکی از دست‌اندرکاران رادیو نمایش به عکاس روزنامه ما هم گوشزد می‌کند. او یادآوری می‌کند که وقتی چراغ قرمز است نباید در محوطه داخل استودیو عکسبرداری صورت گیرد. چون صدای شاتر دوربین یک صدای مزاحم محسوب می‌شود.

میکروفن، اصل است

استودیو 8 آنقدر معروف و خاطره‌انگیز است که مدیران رادیو نمایش برای عنوان یکی از برنامه‌ها این دو کلمه را انتخاب کرده‌اند. برنامه زنده رادیویی استودیو 8 با محوریت نمایش و در قالب نمایش‌های کوتاه طنز، گزارشی از تأثیرهای روی صحنه، فیلم‌های در حال اکران و مسابقه دیالوگ‌های ماندگار هر روز از رادیو نمایش پخش می‌شود.

در استودیو شماره 8 خبری از دوربین فیلمبرداری نیست و میکروفن‌ها حرف اول و آخر را می‌زنند.

4 تا میکروفن در این استودیو به چشم می‌خورد. پشت 3 تا از آنها میز قرار گرفته است و یک میکروفن مخصوص ضبط صداهای دور و فاصله‌دار است.

در انتهای سالن چند ردیف صندلی چیده شده است. در قسمتی از نمایش قاضی دادگاه می‌خواهد شهادت شاهدان را بشنود. افرادی که روی این صندلی نشسته‌اند از راه دور نسبت به صحبت‌های رد و بدل شده واکنش نشان می‌دهند و صدای مهمه مربوط به حاضران در دادگاه را تولید می‌کنند.

این طور که پیداست داستان «مرافعه» دارد ماجرای یک عشق مثلثی را بازگو می‌کند. سکینه، ابراهیم‌بیک را دوست دارد، اما حسن با زر و زورش پیش آمده و می‌خواهد سکینه را به عقد خود در بیاورد. سکینه مقاومت می‌کند و می‌گوید: اگر آقا حسن سر تا پای مرا طلا بگیرد من زن او نمی‌شوم.

دیالوگ‌های نمایش مرافعه لحنی ثقیل و غیرمحاوره‌ای دارند. به عنوان مثال سکینه می‌گوید: هیچ خیالی به خودتان راه ندهید یا می‌خواهید شوهرم دهید تا زندگی‌ام عاقبت خوش شود؟ یا دختر بچه را زینده نیست پیش بزرگ‌ترش این‌گونه حرف بزند.

ژاله علو، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون است، اما همچنان رادیو را خانه اول خودش می‌داند. علو روی یک صدلی نزدیک بازیگران اصلی نشست و مراقب است که آنها کلمات را درست تلفظ کنند. چند بار به بازیگران تذکر می‌دهد و از اتاق فرمان می‌خواهد که چند جمله دوباره ضبط شوند. یعنی شبیه همان تکرار برداشتی که در سینما اتفاق می‌افتد. البته این تکرار برداشتها در اینجا زیاد نیست و در طول هر قسمت یکی دو بار اتفاق می‌افتد.

علو در این نمایش رادیویی مسوولیت کارگردانی را بر عهده دارد. او در پاسخ به این سوال که یک کارگردان رادیو چه وظایفی را بر عهده دارد، می‌گوید: کارگردان اول باید متن‌ها را بگیرد و بخواند. اگر متن‌ها نیاز به تصحیح دارند اشکالات و ایراداتشان را برطرف کند. انتخاب بازیگر نیز بر عهده کارگردان است. در دورخوانی‌ها کارگردان می‌تواند نظرات بازیگرانش را بشنود. نظرات تهیه‌کننده و نویسنده هم در کار نهایی اعمال می‌شود. وقتی بچه‌ها به نقش‌ها مسلط شدند مرحله ضبط شروع می‌شود.

از او که همه حوزه‌های نمایشی را تجربه کرده می‌پرسم میزانسن در رادیو چه تعریفی دارد. او پاسخ می‌دهد: در رادیو واژه‌ای به نام میزانسن کاربرد دارد. اگر یک شخصیت از دور به میکروفن نزدیک شود نوعی میزانسن رعایت شده است.

از علو به عنوان کسی که کوله‌باری از تجربه را به دوش می‌کشد می‌خواهم توصیه‌ای به بازیگران جوان داشته باشد. او پاسخ می‌دهد: بازیگران و گویندگان جوان باید بدانند که فقط آمدن به رادیو مهم نیست.

زمانی که ما وارد رادیو شدیم اینجا استادان بزرگ زبان مثل مرحوم نفیسی، آقای حسینی و... کار می‌کردند. ما مشکلاتمان را از آنها می‌پرسیدیم. بازیگران جوان باید بسیار مطالعه داشته باشند. با ادبیات فاخر ایران آشنا بشوند. باید بتوانند شعر سعدی و فردوسی را بخوانند.

مخاطب سرش کلاه نمی‌رود

نورالدین جوادیان در این نمایش ایفای نقش عزیزبیک را به عهده دارد. عزیزبیک جوانی است که به سکینه‌خانم علاقه دارد. برادر سکینه‌خانم فوت شده و عزیزبیک می‌خواهد از سکینه در برابر دشمنانش حمایت کند.

از جوادیان می‌خواهم درباره تفاوت بازی در نمایش رادیویی و صحنه‌ای توضیح دهد. او صحبت‌هایش را با بیان جزئیات نمایش مرافعه آغاز می‌کند و می‌گوید: این نمایش در ابتدای مشروطه توسط میرزا فتحعلی آخوندزاده نوشته شده است. نمایش مرافعه به زبان ترکی نوشته شده و به زبان فارسی تبدیل شده است. از نظر بنیانی نمایش صحنه و نمایش رادیویی تفاوتی ندارند، اما در هر کدام باید بر ابزار مسلط شوید. در نمایش رادیویی باید میکروفن را بشناسید و با افکتور هماهنگ باشید. کار در نمایش یک ظریفی دارد که به مرور حاصل می‌شود. شما باید همه چیز را با صدا منتقل کنید.

جوادیان هنگام بازی همراه با نقش عصبانی و سرخ می‌شد. از او می‌پرسم مگر قرار نیست فقط صدای شما عصبی به نظر برسد، پس چرا در اینجا همچون یک بازیگر صحنه عصبانی شدید؟

نکته: عینی نبودن تصاویر نمایش رادیویی کمبود آن نیست، بلکه از منظر ویژگی و برتری آن است، چرا که برای مخاطب، آزادی در آفرینشگری ایجاد کرده و تخیل او را راضی می‌کند
او جواب می‌دهد: اگر غیر از این باشد شنونده نقش من را باور نمی‌کند، می‌فهمد که صدای من تصنعی است. حس بازیگر باید به طبیعت زندگی نزدیک باشد، وقتی ما عصبانی می‌شویم صدایمان فرق می‌کند، دهان خشک می‌شود. باید بتوانیم این وضعیت را به بهترین شکل منتقل کنیم، اگر این طوری نباشد مخاطب چه در سینما چه در رادیو می‌فهمد. مخاطب سرش کلاه نمی‌رود. خواندن متن صرفاً به معنای خواندن از روی متن نیست. بازیگران مبتدی متن خوانی می‌کنند. بازیگر باید متن را بخواند و بازی بکند. باید به متن حس بدهد.

به گفته جوادیان برای تمرین این نمایش 5 قسمتی دو سه روز وقت صرف شده و ضبطش در یک صبح تا ظهر انجام شده است.

بازیگری که از 5 سالگی در رادیو بوده است

مینو جبارزاده، بازیگر نقش اصلی این نمایش رادیویی است. او درباره قهرمان داستان (سکینه) یک سری ویژگی‌ها را برمی‌شمارد و می‌گوید: سکینه دختری است که در شرایط اجتماعی شهر ایروان می‌خواهد استقلال خودش را داشته باشد. او وارد یک ماجرای

قضای می شود. حضور زن در این جور مجالس در آن زمان خیلی غیر عادی است. سکینه می خواهد با پسر مورد علاقه اش ازدواج کند، در این راه هم با مشکلاتی مواجه می شود.

مینو جبارزاده 45 سال دارد، اما جالب است بدانید که از این 45 سال 40 سالش را در رادیو کار کرده است. خودش می گوید: من 5 سالم بود که از برنامه کودک رادیو شروع کردم. آن زمان سواد نداشتم، در گوشه جملاتی را می گفتند و من تکرار می کردم. من بچه که بودم از یک کلمه و دو کلمه شروع کردم و پایان سال با ذوق و شوق به جمله رسیدم. الان یک جوری است که خیلی ها با موشک در حیاط میدان ارگ فرود می آیند.

البته در این مدت جبارزاده بازی در چند فیلم و سریال مثل پاداش ساخته کمال تبریزی و پهلوانان نمی میرند حسن فتحی را هم تجربه کرده است، اما خودش تأکید می کند که هیچ جا رادیو نمی شود.

میکروفن نقش همبازی بازیگران رادیو را دارد

مجید حمزه در این نمایش رادیویی نقش آقا سلمان را بازی می کند. او خودش نقش را این طور توضیح می دهد: سلمان وکیلی است که عمری ازش گذشته است و سن و سال زیادی دارد. در این نمایش او بازیچه قرار می گیرد. آدم هایی فریبش می دهند و وادارش می کنند کارهایی غیرقانونی بکند. بعدا دست فریبکاران رو می شود.

حمزه درباره نقش تخیل در نمایش های رادیویی می گوید: در نمایش های رادیویی کارگردان و هنرپیشه با عنصر تخیل سر و کار دارند. این عوامل تخیل شنونده را هم تقویت می کنند. آنها باعث می شوند در دنیاهای مختلف به روی شنونده باز شود و آن چه را که خودش دوست دارد تخیل کند.

از او می پرسیم که برای هر نمایش تقریباً چند جلسه دورخوانی صورت می گیرد. او پاسخ می دهد: دورخوانی بستگی به سختی و آسانی متن و تشخیص کارگردان دارد. ممکن است کارگردان یک متن را با 2 جلسه تمرین به ضبط برساند، ممکن است یک متن 10 جلسه تمرین بخواهد.

به اعتقاد وی یک بازیگر نمایش رادیویی هم باید از زبان بدنش استفاده کند. هر چند هیچ دوربینی او را نمی بیند. حمزه می گوید: آدم وقتی عصبانی می شود عضلات گردنش منقبض می شود. کارهایی که بچه ها انجام می دهند صد در صد حس می آید. اینجا بازیگران با آن شخصیتی که بازی می کنند شاد می شوند، گریه می کنند، می خندند و...

تمام جنبه های حس می آن شخصیت توسط هنرپیشه بازی می شود. چیزی به اسم تکنیک صرف در نمایش معنا ندارد. ما دقیقاً مثل یک هنرپیشه تئاتر صحنه ای همه عواطفمان را بروز می دهیم.

حمزه ادامه می دهد: ما مخاطب را جلوی چشممان می بینیم، دوربین ما مخاطب ماست. جنس کار رادیو به لحاظ ساختار فیزیکی خیلی شبیه به سینماست. میکروفن همبازی بازیگران رادیوست، این میکروفن هنرپیشه نقش مقابل من است. در سینما من فاصله ام را با همبازی ام حفظ کنم، اینجا باید به میکروفن دور و نزدیک بشویم. میکروفن فرد مقابل من همبازی من است.

فردی که مدام ایجاد سر و صدا می کند

پرتحرک ترین فرد استودیویی شماره 8 افکتور نمایش یعنی محمدرضا قبادی فر است. او در گوشه سالن مدام راه می رود و سر و صدا ایجاد می کند؛ البته سر و صداهایش جزو اصواتی است که به درد نمایش می خورد! وقتی شخصیتی جدید وارد اتاق سکینه می شود او با قدم برداشتنش صداهای آن لحظه را در ذهن شنونده تداعی می کند؛ سپس دستگیره در گوشه سالن را باز می کند تا تصویر خیالی ذهن مخاطب کامل شود.

در یکی از صحنه ها که سکینه می خواست آب بخورد نیز او داخل یک لیوان آب ریخت و صدای ریختن آب را ایجاد کرد.

بر اساس آنچه در کتاب نوشتن، در رادیو نوشته ایوب آقاخانی آمده است. جلوه های شنیداری به 2 دسته کلی تقسیم می شود: جلوه های شنیداری زنده یا دستی و جلوه های شنیداری آرشیوی؛ جلوه های زنده را هنگام ضبط رادیویی به صورت زنده اجرا می کنند، مثل مواردی چون صدای افتادن اشیا بر زمین، صدای ظروف، صدای قدم زدن شخصیت ها و...

صداهای آرشیوی آن دسته از صداهای هستند که قابلیت ضبط زنده استودیویی ندارند، مثل صدای همه جمعیت، صدای اتومبیل،

پس با این حساب در این نمایش رادیویی قبادی فر مسوولیت ضبط جلوه‌های شنیداری زنده را به عهده دارد.

جایی که سرود «ای ایران» جاودانه شده است

زمان ترك استودیوی خاطره‌انگیز شماره 8 فرا می‌رسد. سعی می‌کنم اطلاعات بیشتری را درباره این مکان جمع‌آوری کنم. این استودیو بهترین و مجهزترین فضا برای ضبط و تولید نمایش‌های رادیویی است که پیشینه احداث آن به سال 1338 برمی‌گردد. در آن سال‌ها مدیران رادیو به دنبال افتتاح موفقیت‌آمیز استودیوهای يك و 2 در محوطه رادیو ارگ به فکر افتادند که يك استودیوی دیگر به این مجموعه اضافه کنند. جالب است بدانید که سرود «ای ایران» آخرین بار با تنظیم تازه‌ای، توسط روح‌الله خالقی همراه با خوانندگان کر و به رهبری خود او در استودیوی شماره 8 رادیو ضبط شد و به یادگار ماند و جاودانه شد.

سال گذشته هنگامی که برای تهیه گزارش به رادیو ارگ رفتم محمد مهاجر، تهیه‌کننده قدیمی رادیو درباره استودیو 8 گفت: در حال حاضر هم بهترین استودیوی فعلی رادیو همین استودیوی شماره 8 است. این استودیو همان زمان هم صدای شفاف بیرون می‌داد. ارکسترهای بزرگ به این استودیو می‌رفتند. برنامه «شما و رادیو» ی آقای شاهرخ نادری آنجا اجرا می‌شد. 200 تا تماشاچی آنجا می‌نشستند و برنامه ضبط می‌شد. قصه شب هم در این استودیو ضبط می‌شد.

هنگام خداحافظی با محوطه رادیو ارگ يك بار دیگر جملات طلایی کتاب درام‌نویسی برای رادیو را در ذهنم مرور می‌کنم. در آنجا آمده است: عینی نبودن تصاویر نمایش رادیویی کمبود آن نیست، بلکه از منظری ویژگی و برتری آن است، چرا که برای مخاطب آزادی در آفرینشگری ایجاد کرده و تخیل او را تحریک و ارضا می‌کند، اما مسیر بخشیدن به این تخیل پر از پیچیدگی و ظرافت است.

درام‌نویس نهایتاً درام‌نویس است و پایبند و وفادار به قاعده‌های این هنر دیرپا. وقتی صحبت از درام‌نویسی برای رادیو است، اصول تثبیت شده کهنه و نوي نویسنده‌گی منها نمی‌شود. آنها همه به قوت خود باقی‌اند و شایسته بحث و اعتنا.

دیگر عوامل نمایش رادیویی مرافعه عبارت‌اند از: ماهداد توکلی (تهیه‌کننده)، مهدی شرفی (سردبیر)، محمدرضا قبادی‌فر (افکتور)، جواد پیشگر (تنظیم برای رادیو)، رضا طاهری (صدابردار)، بازیگران: جواد پیشگر، مینو جبارزاده، مجید حمزه، بهرام ابراهیمی، رامین پورایمان، مهدی گیاهی، سینا نیکوکار، مونا صفی، ماندانا اصلانی، نورالدین جوادیان، عباس توفیقی، محمد آقامحمدی، نوشین حسن‌زاده، قربان نجفی، عباس وفايي، امیر زنده‌دلان، محمد مجدزاده و احمد ایرانیخواه.

احسان رحیم‌زاده / رادیو و تلویزیون